



بررسی تاثیر نفوذ مدیرعامل و ویژگی های مدیران بر مدیریت واقعی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

هادی موسی زاده قورتلو^a ، هادی داورپناه^b

h.mousazadeh.g@gmail.com

a دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مقدس ، اردبیل، ایران.

hawdidavarpanah@gmail.com

b دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مقدس ، اردبیل، ایران.

چکیده: هدف از تحقیق حاضر بررسی تاثیر نفوذ مدیرعامل و ویژگی های مدیران بر مدیریت واقعی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی تحقیق شامل یک دوره هفتساله بر اساس صورت‌های مالی سال‌های 1391 الی 1397 شرکت‌های مورد مطالعه است و نمونه مورد مطالعه شامل 127 شرکت می‌باشد. به‌طور کلی در این تحقیق برای تدوین ادبیات و پیشینه تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از داده‌های مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها و نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و از سایت‌های مرتبط متعلق به شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بهره گرفته شده است. این تحقیق شامل دو فرضیه می‌باشد که جهت آزمون فرضیات از مدل رگرسیونی و روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در این تحقیق، نفوذ مدیرعامل و ویژگی های مالی شرکت به‌عنوان متغیرهای مستقل، مدیریت واقعی سود تحت عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی به‌عنوان متغیرهای کنترلی مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج آزمون معناداری ضرایب بر اساس معادله‌ی رگرسیون برازش شده حاکی از وجود تاثیر مثبت و معنی‌دار نفوذ مدیرعامل و ویژگی های مدیران بر مدیریت واقعی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

کلمات کلیدی: نفوذ مدیرعامل، ویژگی های مدیران ، مدیریت واقعی سود، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

1- مقدمه

نفوذ مدیران به ویژه مدیرعامل شرکت می تواند در راستای کنترل تولید اطلاعات حسابداری به کار گرفته شود و موجب مدیریت بر زمان بندی افشای اطلاعات و کیفیت اطلاعات ارائه شده، هم راستا با منافع مدیریت گردد (پور حیدری و فروغی، 1398). کارایی و توسعه هر سازمان تا حد زیادی به استفاده صحیح از نیروی انسانی بستگی دارد. مدیران در سازمان‌ها، واضعان خط‌مشی و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمان‌ها با قدرت آنان در ارتباط است. مدیران با به‌کارگیری منابع قدرت می‌توانند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت و منابع آن بستگی دارد. قدرت ویژگی اساسی نقش مدیر بوده است و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌سازد و پدیده اجتناب ناپذیر در سازمان است که بعضی از مدیران به آن به عنوان پدیده‌ای منفی می‌نگرند. واقعیت این است که منفی یا مثبت بودن قدرت به قضاوت و نوع کاربرد آن بستگی دارد، به گونه‌ای که اگر هدف از قدرت، اهداف سازمانی باشد می‌تواند پدیده‌ای مثبت و کارکردی به شمار آید و اگر هدف دستیابی به اهداف شخصی و فردی باشد، امکان دارد پدیده‌ای منفی و ناپسندی